

بجاست کتاب کمک‌درسی را نوعی خاصی از کتاب آموزشی معرفی کنیم که بیش‌تر به برنامه درسی یکسال و یک دوره‌ی تحصیلی می‌پردازد. مرتضی خلخالی، کارشناس آموزشی

بازار کتاب‌های آموزشی، بی‌انضباطی یا کاستی راهبردهای کیفیت بخشی

(قسمت دوم)

محمود معافی

اشاره

در قسمت اول این مقاله، خوانندگان با دلایل اجرای «طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی» و گام‌های اساسی در تولید یک کتاب یا مجموعه کتاب‌های آموزشی آشنا شدند. در این قسمت به نکات ضروری در خصوص کیفیت بخشی به کتاب‌های آموزشی (ساختار)، می‌پردازیم.



۱. ملاحظات کیفیت بخشی به

قسمت مقدماتی کتاب آموزشی

قسمت مقدماتی شامل طرح ظاهری و فیزیکی کتاب، شناسنامه، فهرست، پیش‌گفتار و مقدمه‌ی آن است.

۱-۱. ویژگی‌های ظاهری و فیزیکی:

مخاطب در اولین برخورد با شکل ظاهری کتاب مواجه می‌شود. «شکل» همانند پنجره‌ای است که مخاطب را به دنیای کتاب و محتوای آن وارد می‌کند [۱]. جذابیت ظاهری، تنوع رنگ‌ها، رسایی طرح، ایجاز، استحکام کتاب با توجه به میزان مصرف، و قطع مناسب با توجه به ویژگی مخاطب موجب ارتقای کیفیت ظاهری و فیزیکی کتاب می‌شود.

شایسته است، طراح و نقاش و گرافیکست کتاب، پس از آگاهی از محتوای کتاب از طریق گفت‌وگو با مؤلف، نسبت به طراحی روی جلد و گزینش رنگ‌ها اقدام کنند.

۲-۱. شناسنامه‌ی

کتاب: نام کتاب، نویسنده، ناشر، تاریخ نشر، نوبت چاپ، شابک، قیمت، شمارگان، شماره‌ی ثبت در کتابخانه‌ی ملی، گروه سنی مخاطب، موضوع کتاب و کلیدواژه‌ها را شامل می‌شود.

شناسنامه کتاب مخاطب را قادر می‌سازد که با یک نگاه اجمالی درباره‌ی انتخاب یا رد کتاب تصمیم بگیرد [۲].

۳-۱. فهرست کتاب: این فهرست، علاوه بر سهولت در مراجعه به قسمت‌های گوناگون کتاب، امکان مطالعه‌ی سریع موضوعات کتاب و آگاهی از سازمان‌بندی آن را فراهم می‌کند. خواننده با نگاهی

سریع می‌تواند، از ارتباط مطالب با یکدیگر آگاهی یابد. ارائه‌ی فهرست در پایان کتاب، غالباً به گنجی خواننده می‌انجامد و طبعاً از ارزش کتاب می‌کاهد.

۴-۱. پیش‌گفتار: متن خلاصه‌ای است که با هدف ایجاد انگیزش در مخاطب و بیان

اطلاق عنوان آموزشی و کمک درسی به یک کتاب، اساساً به خاطر نقش آن در تکمیل هدف‌های برنامه‌ی درسی، تقویت یادگیری، ارتقای مهارت‌های روشی و عملی، و یا دانش‌افزایی مخاطبان است



و به قصه‌های هیجان‌انگیز گوش کنیم! فکر می‌کنی این جا را دوست داشته باشی؟»
 دختر دیگر فقط با یک جمله‌ی کوتاه جواب داد: «کتاب‌ها را بخوان.»
 دو دختر به حرف زدن ادامه دادند و آموزگاری که ناظر آن‌ها بود به خوبی متوجه توانایی‌های متفاوت بالقوه‌ی زبانی در کودکان کم‌سال شد.
 در چند سال اخیر، تحقیقات انجام گرفته روی هنرهای زبانی و رشد سواد، بسیار افزایش یافته است و... [۳].

مثال ۲

افلاطون می‌گوید: «بهتر است نادان بمانیم و ناآموخته‌ی نمایم؛ زیرا نادانی ما سرچشمه‌ی شوربختی ماست. بدین سان، وی بزرگ‌ترین خدمت‌ها را به خدمت‌دانی برمی‌شمرد... [۴].»

استفاده از پیش‌گفتارهای ثقیل و نامناسب و با بهره‌گیری از زبانی که با

اهمیت اثر توسط ناشر، یا یک متخصص صاحب‌نام و در مواردی مترجم کتاب نوشته می‌شود. پیش‌گفتار بهتر است که با جمله‌هایی برانگیزنده آغاز شود. به دو مثال از پیش‌گفتارهای برانگیزنده توجه کنید:

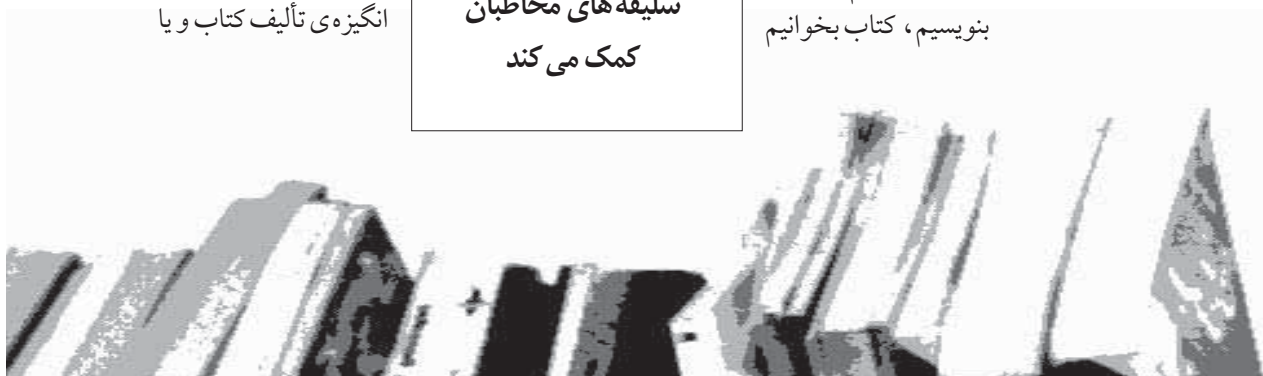
مثال ۱

دو دختر پنج‌ساله که در کلاس آموزش خواندن، نوشتن و شنیدن کودکان با یکدیگر آشنا شده بودند، با هم حرف می‌زدند. یکی از آن‌ها به دیگری گفت: «این جا ما می‌توانیم داستان بنویسیم، کتاب بخوانیم»

شیوه‌های نوشتاری ساده و قابل فهم، میل و عادت به خواندن را در افراد تقویت می‌کند و به پرورش خواسته‌ها و سلیقه‌های مخاطبان کمک می‌کند

ویژگی‌های مخاطب سازگاری چندانی ندارد، به لحاظ روانی از انگیزه‌ی خواننده در مطالعه یک اثر می‌کاهد.

۱-۵. مقدمه: توسط نویسنده و یا نویسندگان به رشته‌ی تحریر درمی‌آید، و در آن انگیزه‌ی تألیف کتاب و یا



ساختار محتوای آن برای مخاطبان تشریح می‌شود. در صورتی که مخاطبان کودکان کم‌سن و سال و یا نوجوانان باشند، از طریق یک تصویر و یا عبارتی موجز در ابتدایی موضوع اصلی، می‌توان به ایجاد انگیزه در مخاطب کمک کرد و نیازی به مقدمه نیست. مقدار مقدمه کتاب بستگی به حجم کتاب دارد، اما بهتر است که از دو صفحه تجاوز نکند.

۲. ملاحظات کیفیت بخشی به قسمت اصلی (یا میانی) کتاب آموزشی

قسمت اصلی کتاب که با رعایت ملاحظات چون اعتبار علمی و آموزشی، سازماندهی منطقی، اعتبار ارتباطاتی و معنایی و اعتبار هنری تدوین می‌شود، معمولاً شامل هدف‌های آموزشی، شرح اصطلاحات، واحدهای یادگیری،



تصویرها، خلاصه‌ی فصل‌ها و آزمون‌های پایانی است. البته این اجرا در کتاب‌های متفاوت ثابت نیست و بستگی به موضوع و نوع کتاب آموزشی دارد.

۱-۲. اعتبار علمی و آموزشی: اعتبار علمی به درستی مطالب، به روز بودن آن و انطباق با یافته‌های جدید علمی اشاره دارد. انتظار این است که هر کتاب جدید، حرف‌های تازه و نویی را مطرح کند. علم نو معمولاً ابتدا در کتاب‌های آموزشی نشر می‌یابد و سپس وارد کتاب‌های درسی می‌شود. مقصود از علم نو، یافته‌های جدید در حوزه‌های علوم تجربی، علوم انسانی، فناوری، و یافته‌های کاربردی و تربیتی است. برخی از نویسندگان جوان به دلیل کمی اطلاعات یا مهارت، و یا دسترسی نداشتن به منابع جدید، از توان علمی لازم برای نوشتن کتاب مفید





و استحکام کار من کمک فراوانی می‌کند. نویسنده‌ای که فکرش فقط روی تولید و خلق یک موضوع مکتوب متمرکز است، به طور طبیعی نمی‌تواند همه‌ی جوانب کار را ببیند. خوب است قبول کنیم که عده‌ای داناتر از عده‌ی دیگری هستند.

اعتبار آموزشی به ارتباط موضوع با هدف‌های کلی نظام آموزشی^۱، هدف‌های دوره‌های تحصیلی^۲، هدف‌های برنامه‌های درسی^۳، هدف‌های جزئی^۴، ملاحظات تربیتی و انطباق آن با نیازهای مخاطب بستگی دارد. مخاطب ممکن است کودک، نوجوان، دانش‌آموز دبیرستانی، عموم مردم، زنان، دانشجو-معلم، معلمان، کارشناسان، کارگران، تکنسین‌ها و یا قشر خاصی از جامعه باشد. مخاطب‌شناسی تنها شامل شناخت علاقه‌ها و نیازهای مخاطب نمی‌شود. تفاوت‌های جنسیتی، سطح سنی، مرحله‌ی رشد، حجم واژگان، و دانسته‌های قبلی از دیگر ملاحظات هستند که لازم است، مورد توجه مؤلف قرار گیرند. اساساً علاوه بر مؤلف، تصویرگر، و عکاسی نیز نیازمند شناخت علاقه‌ها و نیازهای مخاطبان هستند. استفاده از رهیافت‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی در خصوص توانایی‌های ذهنی و ادراکی دانش‌آموزان، اصول یادگیری، و نظرات متخصصان ارتباطات رسانه‌ای و تصویری، از دیگر راهبردهای مخاطب‌شناسی اند [۵].

اطلاق عنوان آموزشی و کمک درسی به یک کتاب، اساساً به خاطر نقش آن در

برخوردار نیستند. این معضل به‌ویژه در مورد نویسندگانی که در رشته‌ی دیگری غیر از حوزه‌ی تخصصی خود وارد شده‌اند، چشمگیرتر است. به همین علت توصیه می‌شود، این گروه از نویسندگان کتاب خود را به منظور افزایش اعتبار علمی قبل از چاپ در اختیار کارشناسان و یا متخصصان مربوطه قرار دهند. این اقدام به افزایش اعتبار علمی کتاب کمک خواهد کرد. گاه دیده شده است، به دلیل بی‌علاقگی ناشر یا مؤلف به صرف کمی هزینه و بررسی نشدن کتاب توسط معدودی از افراد خبره، کتاب آموزشی با غلط‌های علمی وارد بازار شده است. راستش، خود من هم اوایل وقتی مقاله‌ای می‌نوشتم، خیلی دوست نداشتم که دیگری در نوشته‌هایم دست ببرد. اما خیلی زود متوجه شدم، اصلاحات دیگران به زیبایی



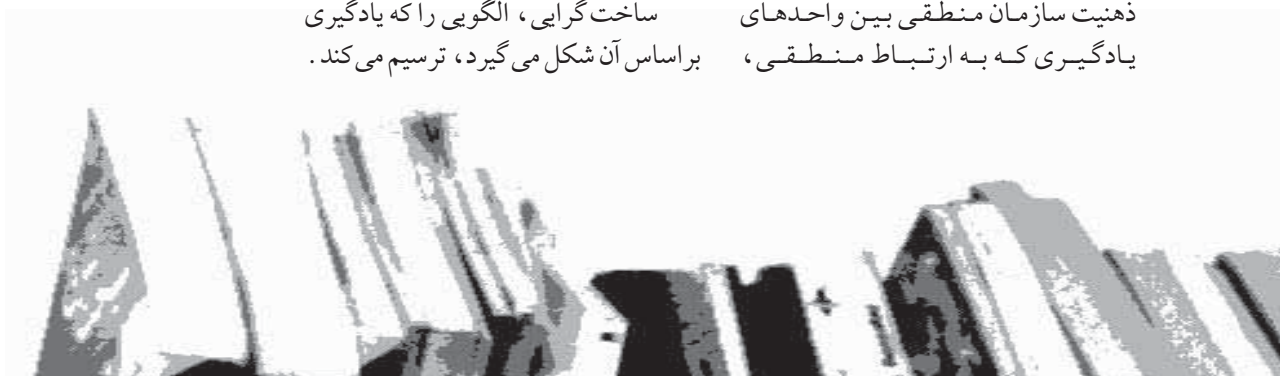
تکمیل هدف‌های برنامه‌ی درسی، تقویت یادگیری، ارتقای مهارت‌های روشی و عملی، و یا دانش‌افزایی مخاطبان است. گاهی به دلیل تغییر شرایط جامعه، برخی از موضوعات کتاب ممکن است که فاقد اعتبار اجتماعی باشد. برای مثال، نگارنده در بررسی یک کتاب انشا مشاهده کرد، ناشر عیناً کتابی را که قبل از انقلاب چاپ شده بود، بدون هیچ‌گونه تغییری دوباره به چاپ رسانده و وارد بازار کرده است. در این کتاب عنوان‌هایی همچون: چگونه به علیاحضرت... نامه بنویسیم! طرز نوشتن نامه به نخست‌وزیر محترم جناب آقای...! مشاهده می‌شود. گویا ناشر پس از اولین چاپ کتاب در سال ۱۳۵۴، به ناگهان در اثر مصرف دارویی به خواب چند ساله فرو رفته است و به یکباره در سال ۱۳۷۴، با فریاد کسی و یا مشتری از خواب بیدار شده است که چه نشسته‌ای، کتاب شما عجب بازاری پیدا کرده است، دست به کار شو. ناشر بنده‌ی خدا هم که در این مدت کوتاه (۲۰ سال) فرصت اصلاح کتاب را نداشته است! کتاب را بدون هیچ بررسی، برای بار دوم به چاپ سپرده است. خنده‌آور نیست؟ این نمونه‌ای از بی‌انضباطی است. (خدا را خوش نمی‌آید. آبروی مردم را حفظ کنیم.)

۲-۲. سازماندهی منطقی: سازماندهی محتوا را در دو سطح می‌توان بررسی کرد: ذهنیت سازمان منطقی بین واحدهای یادگیری که به ارتباط منطقی،



ساخت‌گرایی و پیوستگی محتوایی کتاب و اجزای آن اشاره می‌کند. سطح بعدی، سازمان منطقی یک واحد یادگیری است. سازمان منطقی به ارتباط تقدم و تأخر منطقی اجزا با یکدیگر اشاره دارد. معمولاً، هر واحد یادگیری باید یادگیری واحد بعدی را تسهیل کند (البته در واحدهایی که به شیوه‌ی مدولار یا پیمانانه‌ای نوشته می‌شود، رعایت این شرط لازم نیست). در برخی از کتاب‌های آموزشی، بیان گذشته‌ی یک موضوع یا پدیده و یا توضیح اصطلاحات کلیدی و فنی، به ویژه در کتاب‌های کاربردی، مقدم بر سایر موضوعات است. توجه به دو اصل ساخت‌گرایی منطقی و یکپارچگی، موجب استحکام سازماندهی محتوای کتاب می‌شود.

ساخت‌گرایی، الگویی را که یادگیری براساس آن شکل می‌گیرد، ترسیم می‌کند.



سازمان منطقی یک واحد یادگیری است. هر واحد یادگیری، از عنوان، عبارت‌های مقدماتی، متن اصلی، تصویرها و شکل‌ها، عبارت‌های پایانی، و فعالیت‌های تکمیلی تشکیل می‌شود. عبارت‌های مقدماتی ممکن است از یک جمله‌ی انگیزشی، از جمله‌ی مدخل که ورود به موضوع را تسهیل می‌کند، و یا از یک جمله‌ی رابط (جمله‌ای که موضوع جدید را به بحث‌های قبلی ربط می‌دهد) تشکیل شده باشد. [۷]. سازمان متن اصلی هر واحد یادگیری ممکن است به صورت قیاسی یا استقرایی و یا هر دو تنظیم شود. به طور کلی، عبارت‌های هر متن ممکن است از کل به جزء، یا از جزء به کل تنظیم شده باشد. بهره‌گیری از هر کدام از این شیوه‌ها بستگی به موضوع و ذهنیت نویسنده دارد توجه به جنبه‌های گوناگون



ادراک و فهم، دریافتی انفعالی نیست، بلکه فرایندی از عمل و رفتار است. رعایت پیوستگی محتوایی کتاب برای هر مخاطبی، هر چند کم سن و سال، کاملاً روشن است و هدفداری کتاب را نشان می‌دهد. هدف‌ها نتایجی هستند که فراگیران پس از طی فرایند یادگیری بدان‌ها دست می‌یابند. یکپارچگی شناخت، گرایش و عمل، سه رکن یادگیری هستند. پس اگر ساختاری یکپارچگی پیدا نکند، یادگیری مؤثر هم رخ نمی‌دهد.

تلفیقی از مهارت‌های تفکر، دانش، راهبردهای یادگیری، تقدم و تأخر منطقی موضوعات، بسط منطقی، حرکت از جزء به کل و توجه به تقویت هوش چندگانه در ارائه و سازمان محتوا می‌تواند، به افزایش یکپارچگی در کتاب کمک کند [۶].

سطح بعدی همان‌گونه که اشاره شد،



یک پدیده و بررسی ابعاد آن موجب می شود که موضوع به طور عمیق تری مورد بررسی قرار گیرد [۸]. رعایت دو اصل ساخت گرای منطقی و یکپارچگی در سازمان هر واحد یادگیری، نظیر سازمان کل محتوا، لازم الاجراست.

۲-۳. اعتبار ارتباطی و معنایی: منظور از ارتباط، فرایندی است که به منظور ارسال و دریافت پیام بین پیام دهنده و پیام گیرنده برقرار می شود. در این فرایند، پیام دهنده، نویسنده، نقاش یا طراح است، پیام، نوشته ها و تصویرها هستند و پیام گیرنده، مخاطب است. نویسنده می کوشد که از طریق پیام با مخاطب خود یا خواننده، به نحوی معنی دار ارتباط برقرار کند. برای برقراری ارتباط مؤثر و معنی دار، مؤلف ناچار از ایجاد انگیزه در مخاطب، انتقال پیام به شیوه ای رسا و فصیح، استفاده از رسانه های تصویری، و نیز درگیر کردن مخاطب به لحاظ شناختی، مهارتی و یا احساسی است. نامفهوم بودن پیام های نوشتاری و تصویری، دشواری پیام، ناتوانی در شناخت مخاطب، و ناآشنایی با اصول نفوذ در مخاطب، از جمله عوامل مخل در این الگوی ارتباطی هستند.

نامفهوم بودن پیام نوشتاری ممکن است ناشی از ضعف دانش پایه ی نویسنده، ناتوانی او در ساده سازی مفاهیم، و ابهام در جملات از نظر معنایی و دستوری است [۹].

زبان کتاب لازم است که با سطح فهم مخاطب متناسب باشد و نباید آن قدر



سنگین انتخاب شود که تنها عده ی بسیار کمی قادر به درک آن باشند. گاه مشاهده شده است، کتابی که به زعم خواننده برای نوجوان نوشته شده است، از نظر گروه بررسی کننده برای بزرگسالان مناسب بوده است.

خواندن نمونه ی اولیه کتاب توسط تعدادی از مخاطبان و گرفتن بازخورد از آنان به منظور متناسب سازی زبان کتاب با فهم خواننده، کاری مفید و راهگشاست. همواره این خطر وجود دارد که استفاده از واژگان نامناسب و دشوار که در خزانه ی لغات مخاطب وجود ندارد، ارتباط با یادگیرنده را با مانع جدی روبه رو سازد.

مؤلف لازم است اطمینان حاصل کند که درک واژگان و عبارت های به کار گرفته شده توسط وی، برای مخاطب قابل فهم است.

از سوی دیگر، هر دانشی زبان مخصوص به خود را طلب می کند. برای



ترجمه شده بیش تر مشاهده می شود. بهتر است که این عبارات را قبل از ویرایش ابتدا کمی بلندتر برای خود بخوانیم و بعد آن را ویرایش کنیم. در مواردی، اعراب گذاری برای کلمه ی دشوار، به درک بهتر آن کلمه کمک می کند.

از دیگر نکاتی که در انتقال پیام نوشتاری باید بدان توجه کرد، استفاده از رسم الخط مورد قبول وزارت آموزش و پرورش است. استفاده از رسم الخط غیر رایج این عیب را دارد که مخاطب نمی تواند، در همان برخورد اول معنی کلمات را درک کند؛ زیرا خواننده ابتدا باید خود را با کلمات سازگار کند و سپس به درک معانی بپردازد [۱۰].

تصویر که بخش دیگری از ساختار محتوای کتاب آموزشی است، زبان گویای متن محسوب می شود. استفاده از تصویر، نمودار و نقشه، عمدتاً با هدف شناخت بهتر موضوع صورت می گیرد. در گزینش تصویرها، شناخت دقیق موضوع و زمینه ی فرهنگ بومی، اندازه ی منطقی، وضوح، درک راحت تر موضوع، قرار دادن تصویر در محل واقعی، رعایت اصول زیباشناسی ضروری است [۱۱].

۲-۴. اعتبار هنری: اعتبار هنری به ملاحظاتی اشاره دارد که در تصویرگری، طراحی، نقاشی، صفحه آرایی و انتخاب حروف مطرح هستند. صفحه آرایی مجموعه عملکردهایی است که به ایجاد انگیزه ی بیش تر در مخاطبان منجر می شود. در

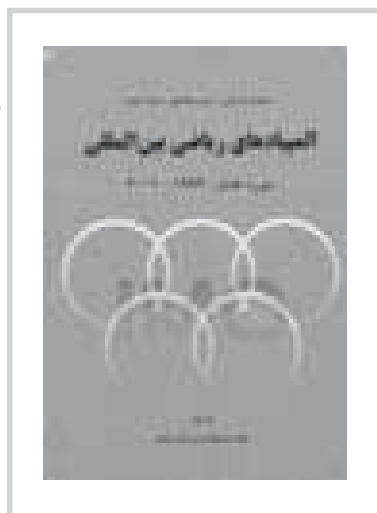


مثال، استفاده از سبک احساسی برای کتاب علمی مناسب نیست و یا یک کتاب دینی ناچار از به کارگیری سبک یا سبک های ویژه ای است که در متون مذهبی به کار گرفته می شوند. شیوه های نوشتاری ساده و قابل فهم، میل و عادت به خواندن را در افراد تقویت می کند و به پرورش خواسته ها و سلیقه های مخاطبان کمک می کند. زیبایی، روانی و سادگی کلام باعث درک سریع مطلب را سبب می شود.

بسیاری از کتاب های بررسی شده توسط نگارنده که در جشنواره های رشد شرکت کرده بودند، خالی از اشکالات ویرایشی نبوده اند. نشانه گذاری های به جا، کمک زیادی به درک معنایی عبارات ها می کند. در صامت خوانی کتاب، حتی ویرایشگران متبحر نیز چندان موفق نیستند. این امر به ویژه در عبارات های طولانی و یا



صفحه‌آرایی، برای جلب نظر دانش‌آموزان، اولیا و مربیان، و جذاب ساختن کتاب برای آن‌ها، متناسب با سن مخاطب، فاصله‌ی کلمات و سطرها، توجه به عناصر اساسی بصری (خط، رنگ و شکل)، انتخاب تصویرهای مناسب، و توزیع متوازن تصویرها در کتاب مورد توجه قرار می‌گیرد. به‌طور خلاصه، ناشر، مؤلف، طراح، نقاش، گرافیست و کارشناسان، در ارتباطی معنادار، دست به دست یکدیگر می‌دهند تا اثری بدیع خلق کنند [۱۲].



۳. ملاحظات کیفیت بخشی به قسمت پایانی کتاب آموزشی

قسمت پایانی کتاب آموزشی معمولاً شامل جمع‌بندی، خودآزمون‌های پایانی، منابع و مآخذ، واژه‌نامه‌ها و در صورت امکان، برگه‌ی نظرخواهی از مخاطب

است. برگه‌ی نظرخواهی از طریق پست به آدرس ناشر ارسال می‌شود. با توجه به مخاطب و نوع کتاب ممکن است که اجزای بخش پایانی کتاب شامل همه‌ی این موارد نباشند. مثلاً، برای کودکان پیش‌دبستانی و یا برخی از کتاب‌ها، این اجزا کمی تغییر می‌کند.

مؤلفان بهتر است که در انتهای کتاب، از موضوعات مطرح شده یک جمع‌بندی کلی ارائه کنند. برخی از کتاب‌ها، به ویژه کتاب‌های فنی و کاربردی، دارای لغات و اصطلاحات خاص خود هستند که لازم است، بسیاری از آن‌ها را به صورت اصلی در انتهای کتاب بیاوریم. خواننده با مراجعه به واژه‌نامه به راحتی می‌تواند، به معانی معادل آن لغات و یا اصطلاحات در زبان انگلیسی مراجعه کند.





زیرنویس

1. Goals
2. Aims
3. Educational objectives
4. Specific objectives

منابع

۱. غلامپور، سهراب. «ویژگی‌های کتاب‌های آموزشی». رشد جوانه‌ی شماره‌ی ۴. سال انتشار: ۱۳۸۱. دفتر انتشارات کمک‌آموزشی.
۲. معتمد‌راد، محمدحسین. انتخاب «کتاب آموزشی برای دوره ابتدایی». رشد جوانه‌ی شماره‌ی ۷. سال انتشار: ۱۳۸۳. دفتر انتشارات کمک‌آموزشی.
۳. گریوز و گارگیلو و اسلاودار (۱۳۷۸). آموزش سواد. ترجمه‌ی بهجت نجفی. انتشارات پیک بهار.
۴. درویل، لئونورام‌تی (۱۳۶۴). کاربرد روان‌شناسی در تدریس. ترجمه‌ی ایرج وصال. انتشارات جهاد دانشگاهی.
۵. نادری، ناصر. «مخاطب‌شناسی و پدیدآورندگان کتاب‌های آموزشی». رشد جوانه‌ی شماره‌ی ۵. سال انتشار: ۱۳۸۳. دفتر انتشارات کمک‌آموزشی.

۶. نوری، علا. «توسعه‌ی سواد خواندن، رسالت کتاب‌های آموزشی». رشد جوانه‌ی شماره‌ی ۸. سال انتشار: ۱۳۸۳. دفتر انتشارات کمک‌آموزشی.
۷. کارگاه تألیف کتاب درسی، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، ۱۳۷۶.
۸. لوی، الف (۱۳۶۲). برنامه‌ریزی درسی مدارس. ترجمه‌ی فریده مشایخ. دفتر امور کمک‌آموزشی و کتابخانه‌ها.
۹. صفوی، امان‌الله (۱۳۷۰). کلیات روش‌ها و فنون تدریس. انتشارات معاصر. ص ۳۴۱.
۱۰. رجب‌زاده، شهرام. «ادبیات در معنای خلاق آن هنر است»، رشد جوانه‌ی شماره ۴. سال انتشار: ۱۳۸۱. دفتر انتشارات کمک‌آموزشی.
۱۱. رون، سیدامیر. «اصول و معیارهای زیباشناسی تصویرهای آموزشی». رشد جوانه‌ی شماره‌ی ۵ و ۶. سال انتشار: ۱۳۸۳. دفتر انتشارات کمک‌آموزشی.
۱۲. معتمد‌راد، محمدحسین. «انتخاب کتاب‌های آموزشی برای دوره‌ی ابتدایی». رشد جوانه‌ی شماره ۷. سال انتشار: ۱۳۸۳. دفتر انتشارات کمک‌آموزشی.

